

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پروفیسور محسن مسرت
فرستنده: حمید بهشتی
۱۹ جولای ۲۰۱۹

نامه سرکشاده به رهبران حزب سوسیال دموکرات المان

منتشر شده در تاریخ اول جولای ۲۰۱۹ در سایت نخ دنک زایتن



دولت ایالات متحده آمریکا با خروج از برجام و تهدید به حمله به ایران، اصول حقوق بین الملل را به طور جدی نقض کرده است... چنانچه اتحادیه اروپا و بقیه دنیا در قبال پایمال نمودن قوانین بین المللی از جانب آمریکا بی تفاوت بمانند و عکس العمل جدی از خود نشان ندهند، در این صورت نقض حقوق بین الملل و تضعیف نهادهای رسمی بین المللی به امری عادی تبدیل خواهد شد و پیامدهای سهمگینی برای صلح جهانی در بر خواهد داشت.

خطاب به رهبران حزب سوسیال دموکرات المان

خانم مالو درایر، خانم مانوئلا شوزیگ، آقای تورستن شفر-گومیل

موضوع: خطر جنگ با ایران - نامه سرکشاده به رهبران حزب سوسیال دموکرات المان

خانمها و آقایان گرامی

خطر جنگ ایالات متحده آمریکا علیه ایران به شدت افزایش یافته است. دستکم از زمانی که رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که ده دقیقه پیش از شروع یک حمله انتقامجویانه به مناسبت سرنگون شدن یک پهپاد آمریکائی در تنگه هرمز از انجام آن جلوگیری کرده، باید فرض را بر این بگذاریم که آمریکا نه تنها جنگ با ایران را در نظر دارد، بلکه به طور جدی آن را آماده کرده است.

من به‌عنوان یک استاد دانشگاه رشته اقتصاد و علوم سیاسی دوتابعیتی المانی- ایرانی توجه شما را به خطر روزافزون یک جنگ دیگر ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه و پیامدهای فاجعه‌آمیز آن برای تمام منطقه، اروپا و جهان جلب می‌کنم و مصرانه از شما می‌خواهم، همه‌توان و امکانات خود را برای جلوگیری از این جنگ به کار گیرید.

خانم‌ها و آقایان محترم، شما می‌دانید که دولت ایالات متحده آمریکا با خروج از برجام و تهدید به حمله به ایران، اصول حقوق بین‌الملل را به‌طور جدی نقض کرده است. تحریم‌های اقتصادی گسترده آمریکا علیه ایران نیز نقض حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند، زیرا آمریکا کشورهای دیگر را نیز مجبور به پیروی از خود می‌کند و مردم ایران را برای دستیابی به اهداف سیاسی خود به اسارت می‌گیرد. این خود شرم آور است که دولت کنونی آمریکا توافقی را که دولت پیشین با زحمت بسیار و در همکاری با جامعه جهانی به‌انجام رسانده بود، خودسرانه زیر سؤال می‌برد و علاوه بر آن بدون توجه به پیامدهای سنگین آن قصد دارد جنگی علیه ایران را به راه اندازد.

متأسفانه افکار عمومی تا کنون به پیامدهای فاجعه‌بار جنگ علیه ایران توجه کافی نکرده است. من به‌همین دلیل مایلم در زیر پیامدها و حوادث احتمالی حمله ارتش آمریکا علیه ایران را برای شما برشمرم:

- ارتش ایران و در درجه اول سپاه پاسداران به‌احتمال بسیار زیاد پس از بمباران تأسیسات اتمی و نظامی ایران توسط آمریکا، به یک جنگ نامتقارن دست خواهند زد و نهایتاً تنگه هرمز را خواهند بست، بلکه تأسیسات نفتی (چاه‌های نفت، لوله‌ها و اسکله‌های نفتی) در عربستان سعودی و امارات متحده عربی را حتماً اگر این کشورها در ابتدای کار به‌دلایل تکتیکی خود را از معرکه کنار نگه دارند و در جنگ شرکت نکنند، تخریب خواهند کرد. احتمال بروز یک بحران نفتی جهانی در چنین وضعی بسیار زیاد است.

- این احتمال نیز وجود دارد که سپاه پاسداران همزمان با این اقدامات، نیروی بحری آمریکا و به‌ویژه ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن و پایگاه‌های نظامی آمریکا در قطر و بحرین را مورد حمله قرار دهد و خسارت‌های زیادی به آنها وارد آورد. لذا چنین اقدامی به‌معنای آغاز یک جنگ کنترل‌ناپذیر میان طرفین خواهد بود. در این صورت آمریکا خود را مجاز خواهد دید کلیه تأسیسات نظامی و غیرنظامی ایران مانند پل‌ها، نیروگاه‌ها، تأسیسات آب و فاضل‌آب و بسیاری دیگر را بمباران کند تا مردم ایران را علیه دولت بشورانند. تلفات عظیم انسانی، به‌ویژه در میان غیرنظامیان و میلیون‌ها پناهنده از ایران به‌سوی اروپا اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

- گروه‌های شبه‌نظامی تعلیم‌دیده و مصمم شیعه در افغانستان، عراق و سوریه سربازان و پایگاه‌های نظامی آمریکا در تمام منطقه را، از جمله از طریق عملیات انتحاری هدف خود قرار خواهند داد و به ارتش آمریکا خسارت‌های جدی وارد خواهند آورد.

- با نگرش واقع‌بینانه این امکان را نیز باید در نظر گرفت که حزب‌الله لبنان که با ایران همپیمان است، در صورت حمله آمریکا به ایران، با راکت‌های کوتاه‌بردی که از ایران دریافت کرده است، حتماً در صورتی که اسرائیل نیز مانند عربستان سعودی در ابتداء به‌دلایل تکتیکی در جنگ شرکت نکند، تل‌آویو را به‌شدت مورد حمله قرار دهد، اگر اسرائیل خود را در تنگنا ببیند احتمال استفاده این کشور از سلاح‌های اتمی علیه شیعیان لبنان و حتماً شهرهای ایران را نیز نمی‌توان به‌کلی منتفی دانست.

در مجموع می‌توان پیش‌بینی کرد که دنیا با جنگی سراسری در یکی از ناپایدارترین مناطق جهان و دهه‌ها عدم‌تعادل در اثر فروپاشی چندین کشور چندملیتی روبه‌رو خواهد شد که از فروپاشی حاکمیت در عراق، لیبیا و سوریه به‌مراتب وخیم‌تر خواهد بود. جنگ آمریکا علیه ایران در هر حال تلفات انسانی عظیم، تخریب محیط زیست در ابعاد وسیع، از

میان رفتن گنجینه‌های فرهنگی تمدن‌های باستانی شرق و تشدید تغییر اقلیم را به دنبال خواهد داشت و توسعه اقتصادی و شکل‌گیری دموکراسی در تمام منطقه را برای مدت‌ها دچار وقفه خواهد کرد.

اینجا به هیچ وجه قصد اغراق کردن و بزرگ‌نمایی پيامدهای جنگ در میان نیست. اما اگر فقط جزئی از آنچه گفته شد به واقعیت بپیوندد، جامعه جهانی، آلمان و همین‌طور شما یعنی رهبران حزبی که در مسؤلیت دولت آلمان سهیم هستید، باید پیش از این که ماشین جنگی به راه بیفتد و پیش از آن که دیر شود، علیه آن اقدام و مداخله کنند تا از یک فاجعه تازه جلوگیری شود. جمهوری فدرال آلمان در مقام بزرگترین قدرت اقتصادی اتحادیه اروپا و با توجه به وابستگی شدید آمریکا به تأسیسات نظامی موجود در خاک آلمان برای حمله به ایران، دارای چنان موقعیت کلیدی ستراتیژیک است که هنوز می‌تواند از جنگ در ایران پیشگیری کند.

به همین دلیل دولت آلمان باید همین امروز علناً و صریحاً اعلام کند که چه مستقیم و چه غیرمستقیم در جنگ احتمالی آمریکا علیه ایران شرکت نخواهد کرد و علاوه بر این اعلام کند که مطابق قانون اساسی خود که جنگ تهاجمی از خاک آلمان را ممنوع می‌کند، به ایالات متحده آمریکا اجازه استفاده از تأسیسات نظامی این کشور در خاک خود را نخواهد داد.

به خصوص شما، خانم‌ها و آقایان محترم، نمتنها از نظر اخلاقی و صلح طلبی در حال حاضر مسؤلیت خطیری را به عهده گرفته اید، بلکه فرصت تاریخی نادری در اختیارتان می‌باشد که با تکیه به اصول و دیدگاه‌های صلح‌جویانه حزب سوسیال دموکرات، دولت آلمان را به یک موضع روشن ضد جنگ وادارید. برای من روشن است که چنین سیاستی با قراردادهای ناتو و قراردادهای دوجانبه آلمان در تضاد قرار خواهد گرفت. اما از سوی دیگر، هراس از تقابل با آمریکا سبب بلوک نمودن اندیشه و عملکرد خود در مقابل کشوری مانند ایالات متحده آمریکا می‌باشد که بروشنی و بی‌هیچ گونه دغدغه خاطر حقوق بین‌الملل را زیر پا می‌گذارد و دستاوردهای مهم سیاسی مانند برجام را خودسرانه به دور می‌اندازد و حتی برای علایق سیاسی هم‌پیمانان خود از جمله اعضای اتحادیه اروپا در این مورد پیشیزی ارزش قائل نمی‌شود و تنها خواسته‌های خودخواهانه را معیار سیاست خارجی خود قرار می‌دهد.

من اعتقاد دارم که آلمان و اتحادیه اروپا هنوز از اهرم‌های اقتصادی مهمی برای نجات برجام برخوردار اند. این موافقت‌نامه صرف‌نظر از نقش تنظیم‌کننده برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای، از نظر سیاست مستقل اتحادیه اروپا نیز دارای مفهومی نمادین است. سه کشور عضو اتحادیه اروپا یعنی آلمان، فرانسه و انگلستان با ایجاد برجام برای اولین بار نشان دادند که از ظرفیت سازنده و صلح‌طلبانه‌ای در سیاست جهانی برخوردار اند و می‌توانند بر سیاست آمریکا هم تأثیر مثبت داشته باشند. از این دیدگاه، مردود شناختن برجام از جانب دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در واقع مقابله با سیاستهای مستقل اتحادیه اروپاست و با همین استدلال، جنگ اقتصادی با ایران در واقع جنگ اقتصادی با اتحادیه اروپا نیز هست.

به باور من دولت آلمان و سایر دول اتحادیه اروپا همواره اهرم‌های قدرتمند اقتصادی و سیاسی دیگری برای حفظ برجام در اختیار دارند که هنوز آنها را به کار نبرده اند. برجام نه تنها در راستای محدود نمودن اشاعه تسلیحات هسته‌ای در سطح جهانی نقش الگو دارد بلکه برای محافظت از استقلال سیاسی اتحادیه اروپا در آینده نیز از اهمیت والای سمبلیک برخوردار است. بنابراین، اکنون که روشن شده که اینستکس (دستگاه حمایت از مبادلات تجاری برای تسهیل تجارت غیردالری با ایران) کارکرد عملی ندارد، ضروری است که برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی آمریکا پیشنهادی جدی در این زمینه به ایران داده شود. آلمان و اتحادیه اروپا باید برای این منظور به همه شرکت‌های اروپایی که

می‌خواهند با ایران رابطه اقتصادی داشته باشند و نیز به بانک‌های اروپائی که مبادلات بانکی این معاملات را انجام خواهند داد تضمین دهند که خسارت‌های احتمالی ناشی از تحریم‌های امریکا را به گونه یک به یک جبران کنند. چنین سیاستی که با اتکای به نفس بیش از گذشته از سوی اتحادیه اروپا درپیش گرفته شود، با همه پیامدهای حقوقی، شکایت از ایالات متحده امریکا به دیوان بین‌المللی لاهه برای جبران خسارات به نظر من حتی اجتناب نا پذیر است، زیرا چنانچه اتحادیه اروپا و بقیه دنیا در قبال پایمال نمودن قوانین بین المللی از جانب امریکا بی تفاوت بمانند و عکس العمل جدی از خود نشان ندهند، در این صورت نقض حقوق بین‌الملل و تضعیف نهادهای رسمی بین‌المللی به امری عادی تبدیل خواهد شد و پیامدهای سهمگینی برای صلح جهانی دربر خواهد داشت.

با تقدیم احترام

پرفسور محسن مسرت برلین ۱ جولای ۲۰۱۹